

## موضوع شناسی «قدرت خرید در پول» از منظر عرف

محمد تقی بصیری<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۸/۱۹

### چکیده

از مسائل مهم در جوامعی که با تورم بالا مواجه‌اند «کاهش ارزش پول ملی» و به تبع آن مسئله نحوه پرداخت دیون است؛ در این موضوع با این پرسش روبرویم که «آیا پرداخت دیون، مطابق با مبلغ اسمی دین است و یا نرخ تورم نیز باید در نظر گرفته شود؟» فقهای عظام، پاسخ این پرسش را مبتنی بر نظر عرف عام دانسته‌اند و نسبت به عرفی بودن این مسئله اتفاق نظر دارند. بهترین روش برای کشف نظر عرف عام، تحقیق میدانی و پرسش از عرف است که محل بحث در این نوشتار است؛ بنابراین پژوهش حاضر، با بهره‌گیری از روش میدانی و توزیع ۳۶۵ پرسش‌نامه در میان مردم، به این نتیجه رسید که در عرف مردم، قول به لحاظ قدرت خرید (با طرفدارانی در حدود ۵۲ درصد) و نیز قول به عدم لحاظ قدرت خرید (با طرفدارانی در حدود ۴۸ درصد) رانمی‌توان کنار گذاشت؛ در نتیجه هر دو قول عرفی و دارای حجیت است؛ از این رو متعاقدین می‌توانند هر یک از این دو قول را در عقد خود اخذ کنند. یعنی اگر «قدرت خرید در پول» را در عقد اخذ کردند، لحاظ تورم و اخذ آن، به حق و جایز است و اگر «عدم لحاظ قدرت خرید» را در عقد اخذ کردند، گرفتن تورم، ربا بوده و اکل مال به باطل است. یادآوری این نکته لازم است که قانون جاری در جمهوری اسلامی ایران بر عدم لحاظ قدرت خرید در پول است؛ لذا اگر بنای متعاقدین بر اخذ قدرت خرید در پول باشد، لازم است که در ضمن عقد، بدان تصریح شود و در صورت سکوت نسبت به مطلب مذکور، عدم لحاظ قدرت خرید در پول حمل می‌شود. در مواردی که متعاقدین با یکدیگر اختلاف کنند که آیا قدرت خرید را در پول لحاظ کنند یا نه؟ بهترین راه، مصالحه و کسب رضایت طرفین است. **کلید واژه‌ها:** عرف، قدرت خرید، پول، تورم، اکل مال به باطل، مصالحه، تحقیق میدانی.

۱. دانش آموخته سطح چهار حوزه علمیه قم [mt.basiri@chmail.ir](mailto:mt.basiri@chmail.ir)

## مقدمه

پول مانند بسیاری از مسائل و پدیده‌های اجتماعی، در بستر تاریخ بشری پدید آمده و به مرور زمان در حال تغییر و تحول است. از آنجایی که برخی از جوامع امروزی، با تورم و کاهش ارزش پول مواجه‌اند، یکی از مباحث مهم و مبتلابه، مسئله جبران کاهش ارزش پول و حکم پرداخت دیون است؛ یعنی اینکه «لازم است همان مبلغ از پیش تعیین شده، پرداخت گردد و یا تورم پولی نیز باید محاسبه شود؟» از این رو یکی از موضوعات مهمی که فقها در فقه معاملات بدان پرداخته‌اند، مسئله «لحاظ یا عدم لحاظ قدرت خرید در پول» است که تحت عنوان «مثلی» یا «قیمی» بودن پول مطرح کرده‌اند؛ حل این مسئله، مبتنی بر پاسخ این پرسش خواهد بود که «آیا عرف عام، قدرت خرید را در پول لحاظ می‌کند یا خیر؟» چرا که در چنین موضوعاتی که شارع مقدس بیان صریحی نداشته است، آن را به عرف عام یعنی عموم مردم جامعه واگذار کرده است.

در این باره مقالات و کتبی نوشته شده است که می‌توان به برخی از آنها اشاره کرد:

«موضوع شناسی پول و جایگاه آن در احکام فقهی کاهش ارزش پول» نگاشته علی‌رضا امینی و عباس سماواتی «رابطه مثلی و قیمی با جبران کاهش ارزش پول»، اثر محمد جواد ولی‌زاده و محمد حسن حائری و نیز «ماهیت پول از منظر فقه اسلامی»، اثر مهدی رهبر و منیره خطیبی؛ نویسندگان این مقالات با تمسک به استدلال‌ات نظری، به این نتیجه رسیدند که پول، مثلی به اعتبار قدرت خرید است و «قدرت خرید» در صفات پول لحاظ شده است.

همچنین می‌توان به کتاب‌هایی مانند ماهیت پول و یا بررسی فقهی جبران کاهش ارزش پول اثر احمد علی یوسفی، اشاره کرد که با توجه به تاریخچه و ویژگی‌های پول، نویسنده به این نتیجه رسیده است که پول ماهیت سومی غیر از مثلی و قیمی دارد.

همچنین مصاحبه‌هایی در خصوص این موضوع با فقها و علمای مختلف، در مجله فقه اهل بیت علیهم‌السلام انجام گرفته است؛ لکن در هیچ یک از این مقالات، کتب و مصاحبه‌ها، محققان به سراغ عرف نرفته‌اند تا پاسخ این مسئله عرفی را از خود عرف جویا شوند؛ بلکه با چینش ادله نظری و فراهم آوردن قرائن به نتیجه و جمع‌بندی مطلوب رسیده‌اند.

با در نظر گرفتن «عرفی بودن» این مسئله و حاکم بودن نظر عرف در راه‌یابی به پاسخ متقن، امتیاز پژوهش حاضر نگاه عرفی کردن در این مسئله، و انجام کار میدانی است؛ بدین جهت ابتدا نکاتی راجع به ابعاد مسئله بیان می‌شود؛ در ادامه به ویژگی‌های تحقیق میدانی در بستر عرف اشاره کرده و در پایان به تجزیه و تحلیل نتایج تحقیق خواهیم پرداخت.

## ادبیات پژوهش

- عرف: مقصود از عرف، عادت‌ها و رویه‌های رایج و پذیرفته شده در میان عموم مردم است. در فقه اسلامی، در مواردی که بیان صریحی از شارع مقدس وجود نداشته باشد، تعیین موضوع و فهم آن به عرف عام واگذار می‌شود (حلی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۵۳۳).

- پول: وسیله‌ای برای مبادله، ذخیره ارزش و سنجش قیمت‌هاست (عربی و میثمی، ۱۳۹۸ش، ج ۱، ص ۲). در فقه، پول می‌تواند «مثلی» یا «قیمی» تلقی شود و این تفاوت، در حکم جبران کاهش ارزش پول آثار مهمی را به همراه دارد.

- مال مثلی و قیمی: مثلی، مالی را گویند که افرادش زیاد باشد و آن افراد در هر نوع صفتی که موجب رغبت مردم بدان است، متفاوت نباشند. و قیمی مالی است که ویژگی‌های مال مثلی را نداشته باشد (آخوند خراسانی، ۱۴۰۶ق، ص ۳۵).

- تورم: عبارت است از: افزایش مداوم و فراگیر سطح قیمت‌ها در یک جامعه (به‌طور عمومی) که به کاهش ارزش واقعی پول منجر می‌شود (نظری، ۱۴۰۳ش، ص ۱۵۷). در بحث دیون و پرداخت‌ها، و لحاظ یا عدم لحاظ قدرت خرید تورم یکی از عوامل مهم اختلاف میان فقها است.

- تحقیق میدانی: از روش‌های تحقیق کمی است که با مراجعه مستقیم به جامعه آماری و بهره‌گیری از ابزارهایی همچون پرسش‌نامه و مصاحبه، دیدگاه‌ها و باورهای واقعی مردم (عرف عام) را گردآوری و تحلیل می‌کند (نکونام، ۱۳۸۹ش، ص ۱۸۳).

## طرق کشف نظر عرف

فقها برای کشف نظر عرف عام در مسئله «لحاظ قدرت خرید در پول» به روش‌هایی چون تحلیل رفتار عرف یا تحلیل تاریخچه پول یا تطبیق استظهار خود با نظر عرف، تمسک کرده‌اند (علیدوست، ۱۳۸۴ش، ص ۳۹۶ و ۳۹۷) در حالی که بهترین و قابل اطمینان‌ترین روش، بررسی میدانی و رفتن به درون مردم و تحقیق از خود آنان است؛ چراکه در بررسی میدانی، محقق می‌تواند با تعداد قابل توجهی از عرف به‌طور مستقیم مواجه شود و آنچه که در ذهن مردم است را به درستی مورد کنکاش قرار دهد؛ ابهامات خود را با گفتگوی رو در رو برطرف کند و در پایان با جمع‌بندی بین نظریات، به فرضیه‌ای برسد که کاملاً عرفی است. با این روش می‌توان به‌طور معمول به نوعی اطمینان خاطر رسید که چنین برداشتی، نظر حقیقی عرف است و صرفاً یک فهم شخصی نیست. شهید صدر در این باره می‌نویسند: «در روش استقرا و استظهار از عموم مردم، احتمال اینکه آن فهم مشرک، مستند به فهم شخصی باشد وجود ندارد؛ چراکه

به مقتضای حساب احتمالات، به هر مقدار که تعداد اشتراک در معنای واحد بیشتر باشد، اینکه چنین معنا و برداشتی به یک ظهور عرفی منتج شود، تقویت خواهد شد» (ر.ک: صدر، ۱۴۱۷ق، ج ۹، ص ۳۷۹).

قبل از ورود به تحقیق میدانی در عرصه موضوع این مقاله و نتایج حاصل از آن، بیان چند نکته مهم لازم است.

### نکته اول

در موضوعاتی که شارع مقدس در موضوعاتی که دخالت نکرده و بیانی نداشته، یعنی بیان محدوده آن را به عرف واگذار کرده است؛ این مطلب مورد تسالم فقها قرار گرفته، علامه حلی می‌فرماید: «عادت شرع بر آن است در اموری که شارع، محدوده آن را ذکر نکرده است، معمولاً به متعارف مردم ارجاع داده است» (حلی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۵۳۳)؛ صاحب حدائق و صاحب ریاض نیز تصریح می‌کنند: «در هر موردی از شرع، که بیانی در آن موضوع وارد نشده باشد، حاکم عرف است» (ر.ک: بحرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۲۳، ص ۳۵۵؛ حائری، ۱۴۱۸ق، ج ۴، ص ۱۵۱).

از جمله موضوعاتی که شارع مقدس به عرف واگذار کرده است، نحوه ادای ضمانات مالی است؛ چراکه شارع مقدس در ضمانات مالی، فقط اصل پرداخت دین و لزوم ادای ضمان را بیان فرموده و نحوه ادای آن و اینکه چه چیز باید پرداخت گردد را به عرف واگذار کرده است. از این رو بین فقها مشهور است که عرف و عقلا، ضمان مالی مثلی را به «مثل» و ضمان مالی قیمی را به «قیمت» می‌دانند؛ به این ترتیب مثل در مثلی و قیمت در قیمی، اقرب به مال مضمونه است و از این مطلب به قاعده «ضمان المثل» یاد می‌کنند.<sup>۱</sup> برخی فقها همچون سید محمد حسن مرعشی‌نظرشان با نظر مشهور فقها مخالف است و قاعده ضمان المثل را قبول ندارد، ایشان معتقد است که در ادای دین و ضمانات، حاکم عرف است:

اینکه اقرب الی التالف، در مثلی مثل و در قیمی، قیمت است، در فقه شیعه اساس و پایه‌ای ندارد؛ برای اینکه در آیات و روایاتی که از طریق اهل بیت علیهم‌السلام به ما رسیده، چنین چیزی نیست که تلف کننده در مثلی، ضامن مثل و در قیمی، ضامن قیمت باشد. در نتیجه باید به عرف مراجعه کنیم، یعنی اگر مالی تلف شد، عرف در مقابل آن مال چه چیزی را لازم می‌بیند که پرداخت شود» (مجله فقه اهل بیت علیهم‌السلام، ج ۷، ص ۳۰). از آنجایی که در مانحن‌فیه نیز از طرف شارع، بیانی صادر نشده است،<sup>۲</sup> پس حاکم و مبنا در این مسئله نظر عرف است.

۱. قاعده ضمان المثل بالمثل و القیمی بالقیمه.

۲. هر چند روایاتی در مورد تلف درهم و دینار و نحوه ادای آن وجود دارد، لکن به سه جهت نمی‌توان به این روایات استناد کرد: ۱. وجود تورم و کاهش ارزش پول در عصر تشریح و زمان معصومین علیهم‌السلام ثابت نشده است؛ ۲. وجود تعارض بین این روایات؛ ۳. ناظر نبودن این روایات به بحث کاهش ارزش پول (ر.ک: عابدین پور، ۱۳۹۴ش)، ص ۱۸۵-۲۱۰.

## نکته دوم

فقهایی که از مثلی یا قیمی بودن پول بحث کرده‌اند، به این جهت است که بدانند «در دیون پولی با وجود تورم و کاهش ارزش پول، عرف در ادای دین، چه چیز را لازم می‌داند؟» و اینکه «آیا عرف، قدرت خرید را در ماهیت یا اوصافِ مثلیتِ پول معتبر دانسته است یا خیر؟» زیرا اگر ثابت شود پول مثلی به ارزش ظاهری است؛ بدین معنا خواهد بود که عرف، قدرت خرید را در پول لحاظ نکرده است. در نتیجه کاهش ارزش پول، ضمان آور نیست و اگر ثابت شود که پول قیمی است یا مثلی به قدرت خرید است؛ بدین معنا خواهد بود که عرف، قدرت خرید را در پول لحاظ کرده است؛ در نتیجه جبران کاهش ارزش پول لازم است. پس مهم در این مسئله کشف نظر عرف است.

## نکته سوم

در مسئله تعیین مثلی یا قیمی بودن پول و یا تعیین صفات دخیل در مثلیت پول، مرجع عرف عام است و نه عرف متخصص و کارشناس اقتصادی؛ زیرا حاکم بر ادای دین و ضمانات مالی، عرف عام است؛ یعنی عرف عام باید تعیین کند که چه چیز مصداق ادای دین است و همچنین با توجه به اینکه مثلی و قیمی از عناوین و مفاهیم عرفی محض‌اند و دارای حقیقت شرعی و متشرعه نیستند (ر.ک: انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص ۲۱۴)؛ در نتیجه هم مفهوم (مراد) و هم مصداق آن را باید عرف عام مشخص کند؛ از این رو وقتی به سخنان دانشمندان اسلامی در بحث مثلی یا قیمی بودن پول نظاره می‌شود، معلوم می‌شود که عرفی بودن این مسئله را مسلم دانسته‌اند؛ برای نمونه به برخی از این اقوال اشاره می‌شود:

آیت الله مکارم شیرازی رحمته الله علیه در پاسخ این سؤال که «آیا محاسبه نرخ تورم در دیون و مطالبات، ربا محسوب می‌شود؟» می‌فرماید: «اینکه در محافل علمی تورم به حساب می‌آید به تنهایی کافی نیست، زیرا مدار بر "عرف عام" است» (مکارم، بی تا، ص ۱۴۹).

آیت الله هاشمی شاهرودی رحمته الله علیه در مقام اثبات مثلیت پول به قدرت خرید، بیان می‌دارند که «ویژگی ارزش مبادله‌ای و توان خرید آن در "نگاه عرف و عقلا" همچون صفتی حقیقی به شمار می‌آید و بدین سان، همانند دیگر صفاتِ مثل، مورد ضمان قرار می‌گیرد» (مجله فقه اهل بیت علیهم السلام، ج ۲، ص ۶۰)، ایشان در کلامی دیگر عقیده دارند: «به عهده آمدن کاهش ارزش

۱. کسانی که معتقدند عرف، قدرت خرید را در ماهیت پول دخیل می‌داند، قائل به قیمی بودن پول شده‌اند و کسانی که معتقدند که عرف، قدرت خرید را در اوصافِ مثلیتِ پول دخیل می‌داند، قائل به مثلی بودن پول به قدرت خرید شده‌اند، در مقابل کسانی که عرفاً قدرت خرید را نه در ماهیت و نه در صفاتِ مثل، دخیل ندانسته‌اند، به مثلی بودن پول به ارزش ظاهری قائل شده‌اند.

پول اعتباری در گرو اطمینان به این است که "نگرش عرف" به پول، از آن روست که خود، مال است و دارای مالیت ارزش مبادله‌ای و نه از آن رو که دارای ارزش اسمی یا اعتبار حقوقی است» (مجله فقه اهل بیت علیهم‌السلام، ج ۲، ص ۶۹).

محمد هادی معرفت در جواب از سؤال ضمان کاهش ارزش پول، پاسخ می‌دهد:

همانطور که اصل اعتبار مالیت را از عقلا و عرف گرفته‌ایم، باید خصوصیات آن را هم از عرف بگیریم؛ لذا اگر عقلا برای ارزش پول از بیست سال قبل تا به حال تفاوت قائلند، ما هم باید آن را بپذیریم؛ چون وقتی اصل پول "امر عرفی" است، خصوصیات و ریزه‌کاری‌های آن را هم باید از عرف بگیریم» (مجله فقه اهل بیت علیهم‌السلام، ج ۷، ص ۱۷).

سید محمد حسن مرعشی در جواب از سؤال مثلی یا قیمی بودن پول، بیان می‌دارد: «ما باید به عرف مراجعه کنیم که اگر مالی تلف شد، عرف در مقابل آن مال، چه چیزی را لازم می‌بیند» (مجله فقه اهل بیت علیهم‌السلام، ج ۷، ص ۳۰)؛ سید حسین شمس نیز معتقد است: «می‌توان گفت شکی نیست که "عرف عقلا" با پول به گونه‌ی مثلی رفتار می‌کنند، به دلیل اینکه اگر کسی پول دیگری را از بین ببرد، ضامن مثل آن می‌دانند» (مجله فقه اهل بیت علیهم‌السلام، ج ۹، ص ۳۱).

مرتضوی لنگرودی چنین نظر می‌دهد: «خلاصه آنکه از "دیدگاه عرف عقلا" که مورد تأیید و امضاء شرع است، نخست ضمان به عین مال تعلق می‌گیرد، سپس به مثل آن و آن‌گاه به قیمت آن؛ بنابراین پول (فلز سکه شده و یا اسکناس) مثلی است و از بین برنده آن ضامن مثل آن است» (مجله فقه اهل بیت علیهم‌السلام، ج ۹، ص ۳۸).

صالحی مازندرانی درباره‌ی ضمان کاهش ارزش پول مهریه این‌گونه استدلال می‌کند: «ارتکاز عرفی خود کافی است برای ناکافی بودن پرداخت مهریه اسمی و ضمان داشتن کاهش ارزش پول» (مجله فقه اهل بیت علیهم‌السلام، ج ۹، ص ۵۰).

سید محسن سعیدی می‌نویسد: «در "نگاه عرف" پول اعتباری (اسکناس و مانند آن) مثل پول حقیقی نیست؛ ارزش حقیقی پول برخاسته از ذاتش و نیز ارزش مبادله‌ای آن است... و قدرت خرید در نزد عرف، حیثیت تقییدی پول اعتباری است» (مجله فقه اهل بیت علیهم‌السلام، ج ۴، ص ۱۸۴).

احمد علی یوسفی نیز بیان می‌کند: «از نظر "عرف و عقلا" پول کاغذی و اسکناس به اعتبار ارزش مبادله‌ای مثلی است؛ چه ارزش مبادله‌ای آن را صفت نسبی بدانیم و یا صفت ذاتی» (مجله فقه اهل بیت علیهم‌السلام، ج ۱۴، ص ۱۱۴) و نیز در بیانی دیگر بیان می‌دارد: «مثلی بودن پول تحریری در نظر "عرف و عقلا" به لحاظ ارزش مبادله‌ای آن، جای هیچ‌گونه شبهه‌ای را بر نمی‌تابد» (مجله فقه اهل بیت علیهم‌السلام، ج ۱۴، ص ۱۱۸)؛ همو در مقاله «بررسی فقهی نظریه‌های جبران کاهش ارزش پول» می‌نویسد:

بعضی از فقیهان با لحاظ دید و نظر عرفی، پول‌های اعتباری را به حسب قدرت خرید، مثلی می‌دانند؛ ولی بعضی دیگر با همین معیار، پول را به حسب ارزش اسمی، عدد، رقم، رنگ و سایر ویژگی‌های ظاهری، مثلی می‌دانند. گروه اول کاهش ارزش پول را لازم می‌شمارند، اما گروه دوم آن را مجاز نمی‌دانند. گفتار فوق حاکی از آن است که هر دو گروه برای اثبات ادعای خود، به مثلی بودن پول تمسک جستند و هر دو نیز با تکیه بر نظر "عرف عام و عقلا" چنین سخنی سرداده‌اند (مجله فقه اهل بیت علیهم‌السلام، ج ۳۰، ص ۱۵۲)

همچنین احمد علی یوسفی نظر دارند: «کثیری از فقیهان و دانش پژوهان با تکیه بر نظر و دید "عرف" جبران کاهش ارزش پول را زیادی و ربا نمی‌شمارند، بلکه عین بازپرداخت، آن چیزی می‌شمارند که هنگام قرض دریافت شده بود» (مجله فقه اهل بیت علیهم‌السلام، ج ۷، ص ۱۶۸). از گفتارهای فوق به خوبی استفاده می‌شود که در لحاظ و عدم لحاظ قدرت خرید در پول و همچنین مثلی و قیمی بودن پول، نظر حاکم «عرف عام» است و برای دریافت این نظر حاکم باید سراغ تحقیق میدانی رفت.

### نکاتی دربارهٔ تحقیق میدانی

در هر تحقیق میدانی باید به نکاتی ضروری توجه کرد:

۱. تعیین جامعه آماری به تناسب موضوع: بعضی از موضوعات و مسائل، به گروهی خاص اختصاص دارد و برای انجام مصاحبه در آن موضوع باید به سراغ آن افراد رفت؛ مانند مصاحبه راجع به یک رشته علمی تخصصی؛ اما برخی دیگر از موضوعات، مخاطبین عام دارند، مانند موضوعات عرفی و مسئله مورد بحث در این مقاله.
۲. انتخاب سؤالات مناسب و مرتبط با موضوع: برای دستیابی محقق به نتیجه مطلوب، لازم است به گونه‌ای متناسب با موضوع تحقیق سؤالات طراحی شود تا اهداف تحقیق را محقق کند و غیر مرتبط و خارج از اهداف پژوهش نباشد.
۳. سؤالات باید برای پاسخ دهنده‌گان روشن و قابل فهم باشد و از سؤالات نامفهوم و مبهم پرهیز شود.

### جامعه آماری تحقیق

دانش آمار برای دستیابی به نظریات یک جامعه، مطابق با گستره آن جامعه و بسته به نوع موضوع، تعداد افرادی را با مشخصات خاص به عنوان نمونه تعیین می‌کند تا این نمونه آینه آن «جامعه آماری» باشد. مطابق با اصول و قواعد دانش آمار و برای کشف نظر عرف عام به عنوان جامعه آماری، لازم است حداقل به عنوان نمونه، از ۳۵۰ نفر سؤالات تحقیق پرسیده شود. به این

ترتیب تعداد ۳۶۵ پرسش نامه توزیع شد و سعی بر این بود که پرسش نامه به صورت تصادفی در میان افرادی توزیع شود که با پول آشنایی داشته و شاغل باشند. یعنی طلاب و اقتصاددانانی که با مباحث نظری مسئله آشنایی داشته‌اند، در این جامعه آماری به صورت محدود و انگشت شمار استفاده شده است.

این تحقیق، در فاصله زمانی ابتدای مهر ۱۴۰۰ تا آخر فروردین ۱۴۰۱ و در میان جامعه آماری (زائرینی از شهرهای قم، تهران، اراک، دامغان، شاهرود، سمنان، اصفهان، ساری، کرمان و برخی از روستاها) که به شهر مقدس قم آمدند، صورت گرفته است.

### ویژگی‌های پرسش نامه

سؤالات پرسش نامه بر اساس جبران و عدم جبران کاهش ارزش پول در موارد مختلفی که مورد ابتلای مردم است (مانند قرض، مهریه، تلف، دیه و بیع نسبی) در دو صورت تورم کم و تورم زیاد مطرح شده است تا نحوه پاسخ‌دهی مردم به این پرسش‌ها تعیین کننده این مطلب باشد که آیا «قدرت خرید» دخیل در پول هست یا خیر؟ چرا که نتیجه لحاظ قدرت خرید در پول،<sup>۲</sup> لزوم جبران کاهش ارزش پول است و نتیجه عدم لحاظ قدرت خرید در پول، عدم جبران کاهش ارزش پول در دیون است.

چهار گزینه به مخاطبین (جامعه آماری) برای پاسخ دادن ارائه شد که عبارتند از:

الف. پرداخت اصل مبلغ پول؛

ب. پرداخت اصل مبلغ به همراه نرخ تورم؛

ج. مصالحه؛

د. سایر موارد.<sup>۳</sup>

### تجزیه و تحلیل نتایج

نتایج مصاحبه و تحقیق میدانی فوق در دو محور کلی مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت:

محور اول: به لحاظ موضوعات مورد پرسش در پرسش نامه: تلف، مهریه، قرض، بیع نسبی و دیه؛

محور دوم: به لحاظ تورم کم و تورم شدید.

۱. توجه: در تورم شدید و کاهش فاحش ارزش پول، بسیاری از قائلین به مثلی بودن پول به ارزش ظاهری نیز قائل به جبران کاهش ارزش و جبران ضرر هستند؛ فلذا باید ثمره را در مواردی که تورم کم است نیز جستجو کرد.

۲. اعم از اینکه در ماهیت پول دخیل باشد یا در صفات مثل دخیل باشد که لازمه اولی، قیمی بودن پول و لازمه دومی، مثلی بودن پول به قدرت خرید است.

۳. بدین جهت گزینه «سایر موارد» در پاسخ‌ها گنجانده شده که پرسش نامه نیمه باز باشد و مردم بتوانند اگر نظر و پاسخ دیگری غیر از سه گزینه اول دارند، بیان کنند.

## محور اول

قبل از ورود تفصیلی به جدول موضوعات، در آغاز پاسخ‌های برخی از افراد که به صورت کلی و یک‌نواخت جواب داده‌اند، ارائه می‌شود، سپس به تفصیل به پاسخ‌های موضوعات می‌پردازیم: از ۳۶۵ پرسش نامه پاسخ داده شده، تعداد ۲۵ نفر تمام سؤالات (و یا حداقل در هشت سؤال) گزینه «الف» یعنی اصل پول را انتخاب کرده‌اند و ۴۲ نفر پاسخ‌شان گزینه «ب»، یعنی اصل پول به همراه تورم بوده است؛ ۳۷ نفر نیز گزینه «ج» یعنی مصالحه را انتخاب نموده و در نهایت ۴ نفر پاسخ‌شان گزینه «د» یعنی سایر موارد بوده است که راه‌حل‌های شان از این قرار است:

- پرسش نامه ۲۵۱: در جواب تمامی سؤالات: تلف کننده به همان اندازه‌ای که تلف کرده پرداخت کند؛ اما حسابی توسط حکومت ایجاد شده که مابه‌التفاوت را به جای بدهکار پرداخت نماید.

- پرسش نامه ۲۵۳: در جواب تمامی سؤالات: محاسبه قیمت روز بر حسب یکی از مبانی ثابت مثل طلا، دام، نرخ ارز و... .

- پرسش نامه ۲۵۸: در جواب تمامی سؤالات: قیمت خرید در دو زمان سنجیده شود و طبق قدرت خرید قبل، مبلغ جدید تعیین گردد.

- پرسش نامه ۲۳۰: تمامی سؤالات غیر از سؤال ۵ و ۶: اگر شخص سوم باشم، باید شخصیت و نوع نگاه هر دو طرف را به قضیه در نظر بگیرم، یعنی باید رضایت دو طرف ملاک باشد؛ لذا بسته به شرایط و شخصیت دو طرف، پاسخ افراد بعضی اوقات «الف»، بعضی موارد «ب» و برخی اوقات «ج» است.

از مطالب فوق چند مطلب قابل استفاده است:

۱. پاسخ‌دهنده پرسش نامه ۲۵۱ در واقع گزینه «الف» را انتخاب کرده است و در حقیقت جبران ضرر وارد شده به شخص (یعنی کاهش قدرت خرید) را که از جانب دولت بوده، بر دولت لازم می‌داند.

۲. پاسخ‌دهندگان به پرسش‌نامه‌های ۲۵۳ و ۲۵۸ به واقع گزینه «ب» را انتخاب کرده‌اند؛ البته طریقه اخذ تورم را به گونه‌ای دیگر بیان کرده‌اند.

۳. پاسخ‌دهنده پرسش نامه ۲۳۰ در حقیقت گزینه «ج» را انتخاب کرده است؛ زیرا تمام ملاک را حصول رضایت طرفین می‌داند که به اختلاف شرایط، متفاوت است.

۴. اکثر افرادی که گزینه «ج» را در موارد متعدد انتخاب کرده‌اند، به این جهت بوده است که رضایت طرفین را بهترین راه می‌دانسته‌اند؛ زیرا در انتخاب «الف» شخص طلب‌کار ناراحت است و باگزینه «ب» فرد بدهکار ناراضی است و تنها در انتخاب «ج» رضایت طرفین حاصل می‌شود و این مطلب را در مواردی به صورت شفاهی به محقق به‌طور مستقیم بیان می‌کردند.

اکنون به موضوعات و در پاسخ‌های منتخب در قالب جدولی اشاره خواهد شد:

جدول شماره ۱: تلف

موضوع: تلف	
سؤال ۱ (تورم شدید)	اگر شخصی ۱۰ میلیون تومان از پول کسی را تلف کرد، پس از گذشت یک سال و با وجود تورم ۵۰ درصدی (یعنی ارزش آن پول در حال حاضر ۱۵ میلیون تومان باشد) شما کدام یک از این موارد را برای جبران پول پیشنهاد می‌کنید؟
پاسخ‌ها	الف. دادن اصل مبلغ (۱۰ میلیون تومان) ۶۰ (۱۷٪)
	ب. دادن اصل مبلغ به اضافه نرخ تورم (۱۵ میلیون تومان) ۱۱۱ (۳۱٪)
	ج. مصالحه بین دریافت اصل مبلغ و بین اصل مبلغ به اضافه نرخ تورم (مثلاً ۱۳ میلیون تومان) مصالحه کنند ۱۷۰ (۴۸٪)
	د. سایر موارد ۱۴ (۴٪)
سؤال ۲ (تورم کم)	اگر شخصی ۱۰ میلیون تومان از پول کسی را تلف کرد، بعد از گذشت یک سال و با وجود تورم ۱۰ درصدی (یعنی ارزش آن پول در حال حاضر ۱۱ میلیون تومان باشد) شما کدام یک از این موارد را برای جبران پول پیشنهاد می‌کنید؟
پاسخ‌ها	الف. دادن اصل مبلغ (۱۰ میلیون تومان) ۸۷ (۲۵٪)
	ب. دادن اصل مبلغ به اضافه نرخ تورم (۱۱ میلیون تومان) ۱۱۸ (۳۳٪)
	ج. مصالحه بین دریافت اصل مبلغ و بین اصل مبلغ به اضافه نرخ تورم ۱۳۹ (۲۹٪)
	د. سایر موارد ۱۱ (۳٪)
مجموع	الف: ۱۴۷ (۲۱٪)    ب: ۲۲۹ (۳۲٪)    ج: ۳۰۹ (۴۴٪)    د: ۲۵ (۴٪)

تعدادی از پاسخ‌دهندگان، گزینه چهارم «د» را برای پاسخ انتخاب کرده‌اند و توضیحاتی بدین شرح داده‌اند:

- پرسش نامه ۲: سؤال ۲. اگر توانایی پرداخت تورم را نداشت به اصل پول رضایت می‌دهم.  
- پرسش نامه ۴۷: سؤال ۱ و ۲. بستگی به شرطی دارد که از ابتدا بین هم گذاشتند و طبق قول و قرار اولیه باید پرداخت گردد.

- پرسش نامه ۵۹: سؤال ۱. بستگی به نوع دریافت وجه دارد: اگر قرض باشد به نظرم می‌بایست معادل سازی گردد؛ ولی اگر سرمایه گذاری باشد که زیان مشترک حساب می‌شود.

- پرسش نامه ۸۹: سؤال ۱ و ۲. با توجه به شرایط موقع پرداخت، یعنی با توجه به اینکه اکثراً به نرخ تورم و افزایش قیمت‌ها در سال آتی علم دارند، اگر به‌عنوان قرض الحسنه پرداخت کرده باشند، همان مبلغ پرداخت شده و در غیر این صورت، مصالحه‌ای که بین افراد صورت گرفته، می‌بایست مبنای بازگشت مبلغ باشد.

- پرسش نامه ۲۲۴: سؤال ۱ و ۲. اگر قرض الحسنه باشد، اصل مبلغ صحیح است و باقی سود را خواهد بود؛ اما اگر مشارکت در کسب و کار باشد باید از دفاتر مراجع سؤال شود و بنده نمی دانم.

- پرسش نامه ۲۵۴: سؤال ۱. وضع طرف بدهکار ملاحظه شود، مثلاً اگر زمانی که پول را تلف کرده، سه برابر حقوق دریافتی ماهیانه اش بوده، باید در موقع پرداخت تلف نیز سه برابر درآمد ماهیانه فعلی اش را بپردازد و یا میانگین حقوق عموم مشاغل را در پرداخت در نظر داشته باشد.

- پرسش نامه ۲۷۲: سؤال ۲. تورم بر روی تمام اجناس تأثیر می گذارد؛ پس اگر یک کالا در نظر گرفته شود، بهتر است که موقع پرداخت به ارزش همان کالا پرداخت شود (مثلاً پول به ارزش یک خودرو باشد).

- پرسش نامه ۲۸۹: سؤال ۱. باید دید آن کسی که پولش خرج شده، آیا رضایت کامل داشته و اگر راضی باشد، اصل مبلغ را برگرداند.

پرسش نامه ۳۵۴: سؤال ۱ و ۲. من کاری با تورم و درصد آن ندارم، شخص و شخصیت و نوع رفتار و هدف از تلف کردن مهم است و بر اساس آن تصمیم می گیریم؛ یعنی اگر دنبال زیاده خواهی بوده است، برای تأدیش گزینه دو و اگر انسان شریفی است گزینه یک.

پرسش نامه ۳۶۴: سؤال ۱ و ۲. دادن اصل مبلغ به اضافه مصالحه درباره نرخ تورم.

از مطالب فوق چندین مطلب قابل استفاده است:

۱. از پرسش نامه ۴۷، ۵۹، ۸۹، ۲۲۴ و ۲۸۹ استفاده می شود که برخی از پاسخ دهندگان، التفتاتی به معنای تلف نداشته، حتی معنای آن را نمی دانستند که در مواردی از محقق معنای آن را سؤال می کردند. عده ای نیز تلف را با معنای قرض و یا اخذ پول در ضمن یک قرارداد اشتباه می گرفتند؛ بدین جهت بین این دو گزاره «مالک رضایت به خرج کردن پول داشته است یا نه» و «یا بین «قرض و عقد مشارکت» در جواب، تفصیل می دادند.

۲. پاسخ دهنده پرسش نامه ۲، در واقع گزینه «ب» را انتخاب کرده است؛ زیرا در حالت عادی پرداخت تورم را لازم می داند؛ لکن اگر قدرت پرداخت نداشت، اصل پول را دریافت می کند.

۳. پاسخ دهندگان به پرسش نامه ۲۵۴ و ۲۷۲ نیز در حقیقت گزینه «ب» را انتخاب کرده اند؛ لکن معیار محاسبه تورم را بر اساس حقوق یا کالا می دانند.

۴. بازگشت جواب پرسش نامه ۳۶۴ به گزینه «ج» است.

جدول شماره ۲: مهریه

موضوع: مهریه	
تعداد پاسخ‌ها	اگر مهریه خانمی در سال ۱۳۸۰، ۱ میلیون تومان بوده و شوهر او در سال ۱۴۰۰ می‌خواهد مهریه همسرش را پرداخت کند با لحاظ تورم سالیانه در فاصله ۲۰ سال (یعنی ارزش آن پول در حال حاضر ۳ میلیون تومان است) چه مبلغی را باید پرداخت شود؟
۳۲ (۹٪)	الف. پرداخت اصل مهریه (۱ میلیون تومان)
۲۰۳ (۵۷٪)	ب. پرداخت اصل مهریه به اضافه نرخ تورم (۳۰ میلیون تومان)
۱۱۲ (۳۱٪)	ج. مصالحه بین اصل مهریه و بین اصل به اضافه نرخ تورم
۹ (۳٪)	د. سایر موارد
تعداد پاسخ‌ها	اگر مهریه خانمی در سال ۱۳۸۰، ۱ میلیون تومان بوده و شوهر او در سال ۱۴۰۰ می‌خواهد مهریه همسرش را پرداخت کند با لحاظ کردن تورم سالیانه در فاصله ۲۰ سال (یعنی ارزش آن پول در حال حاضر ۱ میلیون ۲۰۰ هزار تومان باشد) چه مبلغی باید پرداخت کند؟
۴۰ (۱۱٪)	الف. پرداخت اصل مهریه (۱ میلیون تومان)
۱۹۵ (۵۵٪)	ب. پرداخت اصل مهریه به اضافه نرخ تورم (۱ میلیون و ۲۰۰ هزار تومان)
۱۱۰ (۱۳٪)	ج. مصالحه بین اصل مهریه و بین اصل به اضافه نرخ تورم
۹ (۳٪)	د. سایر موارد
مجموع	الف: ۷۲ (۱۰٪)    ب: ۳۹۸ (۵۶٪)    ج: ۲۲۲ (۳۱٪)    د: ۲۰ (۳٪)

تعدادی از پاسخ دهندگان، گزینه «د» را برای پاسخ انتخاب کرده‌اند و توضیحاتی داده‌اند که از این قرار است:

پرسش نامه ۲۴: سؤال ۳. به طور معمول برای مهریه، جنسی را در نظر می‌گیرند (مثلاً طلا)، از آنجایی که آن جنس همراه تورم تغییر قیمت پیدا می‌کند، همان توافقی را پرداخت می‌کنند.

پرسش نامه ۷۹: سؤال ۴. به نظرم قانون، مهریه را به نرخ روز پیش بینی کرده است.

پرسش نامه ۱۸۲: سؤال ۳ و ۴. از مراجع ذیربط بپرسند و عیناً پرداخت کنند و رسید رسمی دریافت کنند.

پرسش نامه ۲۲۴: سؤال ۳ و ۴. به نظر می‌رسد، مهریه باید با ارزش سکه و طلا مطابق باشد.

پرسش نامه ۲۳۵: سؤال ۳ و ۴. باید نرخ سکه را در سال ۱۳۸۰ش بررسی کرد و [مطابق با آن] مهریه خانم پرداخت شود (یعنی سال ۱۳۸۰ش، ۱ میلیون تومان [معادل] چند عدد سکه می‌شود).

پرسش نامه ۲۵۴: سؤال ۳. وضع طرف بدهکار ملاحظه شود؛ مثلاً اگر زمانی که پول را تلف

کرده، سه برابر حقوق دریافتی ماهیانه اش بوده، موقع پرداخت تلف نیز، سه برابر درآمد ماهیانه فعلی اش را بپردازد یا میانگین حقوق عموم مشاغل دیگر پرداخت شود.

پرسش نامه ۳۶۴: سؤال ۳ و ۴. دادن اصل مبلغ به اضافه مصالحه درباره نرخ تورم.

از پرسش نامه ۲۴، ۷۹، ۱۸۲، ۲۲۴ و ۲۳۵ استفاده می شود، کسانی که در مسئله مهریه لزوم پرداخت قیمت، مطابق با سکه رایبان کرده اند و یا اکثر کسانی که گزینه «ب» را انتخاب نموده اند، به جهت وجود «قانون مهریه»<sup>۱</sup> بوده که در پرداخت مهریه، تورم را لحاظ می کند.

جدول شماره ۳: قرض

موضوع: قرض	
سؤال ۱ (تورم شدید)	اگر شخصی به دیگری مبلغ ۱۰۰ میلیون تومان را، به مدت یک سال قرض دهد و قرض گیرنده بعد از یک سال با لحاظ تورم ۵۰ درصدی (یعنی ارزش آن پول در حال حاضر ۱۵۰ میلیون تومان باشد) بخواهد قرض خود را ادا کند، چه مبلغی را باید بپردازد؟
پاسخ ها	الف. اصل مبلغ قرض (۱۰۰ میلیون تومان) ۱۴۷ (۴۱٪)
	ب. اصل به اضافه نرخ تورم (۱۵۰ میلیون تومان) ۷۴ (۲۱٪)
	ج. مصالحه بین اصل مبلغ و بین اصل به اضافه نرخ تورم ۱۲۱ (۳۴٪)
	د. سایر موارد ۱۴ (۴٪)
سؤال ۲ (تورم کم)	اگر شخصی به دیگری مبلغ ۱۰۰ میلیون تومان را، به مدت یک سال قرض دهد و قرض گیرنده بعد از یک سال با وجود تورم ۲ درصد (یعنی ارزش آن پول در حال حاضر ۱۰۲ میلیون تومان باشد) می خواهد قرض خود را ادا کند چه مبلغی را باید بپردازد؟
پاسخ ها	الف. اصل مبلغ قرض (۱۰۰ میلیون تومان) ۱۶۳ (۴۶٪)
	ب. اصل به اضافه نرخ تورم (۱۰۲ میلیون تومان) ۹۷ (۲۷٪)
	ج. مصالحه بین اصل مبلغ و بین اصل به اضافه نرخ تورم ۸۵ (۲۴٪)
	د. سایر موارد ۱۳ (۴٪)
مجموع	الف: ۳۱۰ (۴۳٪)    ب: ۱۷۱ (۲۴٪)    ج: ۲۰۶ (۲۹٪)    د: ۲۷ (۴٪)

تعدادی از پاسخ دهندگان گزینه «د» را برای پاسخ انتخاب کرده، در مقام پاسخ توضیحاتی ارائه کرده اند:

۱. ماده ۱ آیین نامه اجرایی قانون الحاق یک تبصره به ماده (۱۰۸۲) قانون مدنی، مصوب ۱۳۷۷ش: چنانچه مهریه وجه رایج باشد، مرجع صالح بنا به درخواست هریک از زوجین، میزان آن را با توجه به تغییر شاخص قیمت سال (در زمان تأدیه) نسبت به سال وقوع عقد، محاسبه و تعیین می نماید.

پرسش نامه ۴۷: سؤال ۵ و ۶. بستگی دارد به شرطی که از ابتدا بین یکدیگر گذاشته اند، طبق قول و قرار اولیه باید پرداخت گردد.

پرسش نامه ۴۸: سؤال ۵. با توجه به اینکه مبلغ را به صورت قرض داده (اگر قرض الحسنه باشد چون جنبه معنوی دارد) اصل مبلغ را بگیرد و خداوند اجر و پاداش خواهد داد؛ در غیر این صورت با هم مصالحه نمایند.

پرسش نامه ۸۲: سؤال ۵ و ۶. اگر از نظر شرعی ایراد نداشته باشد، مصالحه انجام شود.

پرسش نامه ۸۹: سؤال ۵ و ۶. با توجه به شرایط موجود و در موقع پرداخت؛ یعنی با توجه به اینکه اکثراً علم به نرخ تورم و افزایش قیمت‌ها در سال آتی دارند، اگر به عنوان قرض الحسنه پرداخت کرده باشند، همان مبلغ باز پرداخت شود و در غیر این صورت، مصالحه‌ای که بین افراد صورت گرفته، می‌بایست مبنای بازگشت باشد.

پرسش نامه ۹۴: سؤال ۵ و ۶. بستگی به نوع قرض دارد، اگر قرض الحسنه باشد همان مبلغ قرض گرفته شده باز می‌گردد و در غیر این صورت باید قرض گیرنده، طرف خود را راضی کند.

پرسش نامه ۱۴۰: سؤال ۵ و ۶. چون در باب قرض است، هرگونه اضافه اگر از طرف قرض دهنده باشد (ربا و حرام است) ولی اگر خود قرض‌گیرنده بخواهد چیز اضافه‌تری بدهد، نظر بنده گزینه «ب» می‌باشد.

سؤال ۹ و ۱۰. چون قرض نیست؛ بلکه دین جدای از قرض است، به نظر بنده گزینه «ب» بهتر است.

پرسش نامه ۱۸۲: سؤال ۵ و ۶. اصل مبلغ به اضافه مبلغ کمی (از باب استحباب) که اصلاً اجباری نباشد.

پرسش نامه ۱۹۱: سؤال ۵ و ۶. در دین مبین اسلام و احکام قرض الحسنه، لازم است مبلغ قرض پرداخت شود و می‌تواند قرض‌گیرنده مبلغی بیشتر به عنوان هدیه نیز پرداخت کند.

پرسش نامه ۲۵۴: سؤال ۵. وضع طرف بدهکار ملاحظه شود، مثلاً اگر زمانی که پول را تلف کرده، سه برابر حقوق دریافتی ماهیانه‌اش بوده، موقع پرداخت تلف نیز، سه برابر درآمد ماهیانه فعلی‌اش پردازد و یا میانگینی مطابق با حقوق عموم دیگر مشاغل پرداخت کند.

پرسش نامه ۲۷۲: سؤال ۵ و ۶. تورم بر روی تمام اجناس تأثیر می‌گذارد، پس اگر [در این موضوع] یک کالا در نظر گرفته شود (مثلاً پول به ارزش یک خودرو باشد) بهتر است در موقع پرداخت نیز به ارزش همان خودرو پرداخت کند.

پرسش نامه ۳۶۴: سؤال ۵ و ۶. دادن اصل مبلغ به اضافه مصالحه درباره نرخ تورم.

پرسش نامه ۳۶۷: سؤال ۵ و ۶. اگر طرف قرض دهنده نگران ارزش پول خود باشد، بهترین گزینه [آن است که] سکه طلا قرض دهد، سکه طلا پس بگیرد.

از جواب پاسخ‌دهندگان به پرسش‌نامه‌های ۴۸، ۸۲، ۸۹، ۹۴، ۱۴۰، ۱۸۲ و ۱۹۱ و نیز در طی گفتگوی

جامعه آماری با محقق، استفاده می شود که اکثر کسانی که گزینه «الف» را انتخاب کرده اند، به جهت فتوای مشهور فقها و مراجع تقلید مبنی بر ربوبی بودن مبلغ اخذ شده به جای تورم، بوده است و شاهد بر این مطلب علاوه بر پاسخ پرسش نامه شماره ۱۴۰ در سؤال ۹ و ۱۰ است که از ۱۳۰ نفر از پاسخ دهندگان (به غیر از ۱۲ نفر)، در مسئله قرض جواب «الف» را انتخاب کرده اند و در سایر سؤالات به انتخاب گزینه های دیگری دست زده اند؛ به عنوان مثال از این ۱۳۰ نفر، به طور میانگین ۳۰ نفر در موضوع تلف، ۶۸ نفر در مهریه، ۱۶ نفر در بیع نسبی و ۴۷ نفر در دیه، گزینه «ب» را انتخاب کرده اند. از این رو نمی توان از انتخاب گزینه «الف» در مسئله قرض لزوماً به این نتیجه رسید که این افراد پول را مثلی به ارزش ظاهری می دانستند و قدرت خرید را در پول معتبر ندانسته اند؛ اما عکس این مسئله، درباره کسانی که در مسئله قرض (با وجود فتوا به ربا)، گزینه «ب» را انتخاب کرده اند؛ می توان نتیجه گرفت که ایشان قدرت خرید را در پول دخیل می دانستند (در این مسئله به طور میانگین ۸۵ نفر گزینه «ب» را انتخاب نموده اند و از این تعداد، ۴۰ نفر علاوه بر قرض در سایر موضوعات نیز گزینه «ب» را انتخاب کرده اند.

جدول شماره ۴: بیع نسبی

موضوع: بیع نسبی	
سؤال ۱ (تورم شدید)	اگر شخصی کالای با دوامی (مثلاً یخچال) را از فروشنده، به طور نسبی یک ساله و به مبلغ ۲۰ میلیون تومان خریداری نموده، پس از گذشت یک سال و با لحاظ کردن تورم ۴۰ درصدی (یعنی ارزش آن پول در حال حاضر ۲۸ میلیون تومان باشد) مشتری چه مقدار باید به فروشنده بپردازد؟
پاسخ ها	الف. اصل مبلغ (۲۰ میلیون تومان) ۱۳۸ (۵۷٪)
	ب. اصل مبلغ به اضافه نرخ تورم (۲۸ میلیون تومان) ۸۱ (۳۳٪)
	ج. مصالحه بین اصل مبلغ و بین اصل مبلغ به اضافه نرخ تورم (مثلاً ۲۴ میلیون تومان) ۱۲ (۵٪)
	د. سایر موارد ۱۳ (۵٪)
سؤال ۲ (تورم کم)	اگر شخصی کالای با دوامی (مثلاً یخچال) را از فروشنده ای به طور نسبی و یک ساله به مبلغ ۲۰ میلیون تومان خریداری کند و پس از گذشت یک سال و با لحاظ تورم ۵ درصدی (یعنی ارزش آن پول در حال حاضر ۲۱ میلیون تومان است) مشتری چه مقدار باید به فروشنده بپردازد؟
پاسخ ها	الف. اصل مبلغ (۲۰ میلیون تومان) ۱۵۲ (۴۲٪)
	ب. اصل مبلغ به اضافه نرخ تورم (۲۱ میلیون تومان) ۱۰۴ (۲۹٪)
	ج. مصالحه بین اصل مبلغ و بین اصل مبلغ به اضافه نرخ تورم ۹۴ (۲۶٪)
	د. سایر موارد ۱۰ (۳٪)
مجموع	الف: ۲۹۰ (۴۱٪)    ب: ۱۸۵ (۲۶٪)    ج: ۲۱۴ (۳۰٪)    د: ۲۳ (۳٪)

تعدادی از پاسخ‌دهندگان که گزینه «د» را برای پاسخ انتخاب کرده‌اند و توضیحاتی بدین شرح داده‌اند:

پرسش نامه ۱۰: سؤال ۷ و ۸. اگر مشتری چک کشیده باشد، معامله تمام شده است و همان ۲۰ میلیون را بعد از یک سال باید پرداخت کند و اگر چکی نداده، نرخ [با] تورم محاسبه می‌شود. پرسش نامه ۴۸: سؤال ۷. چون مشتری پولی دریافت نکرده است، بستگی به شرایط عقد قرارداد دارد؛ یعنی در صورتی که اعلام فروش قسطی به صورت یک ساله شده باشد، فروشنده حق دریافت مبلغ بیشتر را ندارد. البته با توجه به تورم به وجود آمده، اگر مشتری رضایت فروشنده را بگیرد، بهتر است.

پرسش نامه ۸۹: سؤال ۷ و ۸. با توجه به شرایط در موقع پرداخت (یعنی با توجه به اینکه اکثراً علم به نرخ تورم و افزایش قیمت‌ها در سال آتی را دارند) اگر [از ابتدا مبلغ پرداختی] به عنوان قرض الحسنه باشد، همان مبلغ پرداخت می‌شود و در غیر این صورت، مصالحه‌ای که بین افراد صورت گرفته، می‌بایست مبنای وجه بازگشتی باشد.

پرسش نامه ۱۳۱: سؤال ۷ و ۸. [مطابق با] نرخ توافق شده [بپردازد].

پرسش نامه ۱۴۰: سؤال ۷ و ۸. [در صورتی که] معامله نسیه [باشد] نمی‌تواند اضافه بگیرد؛ یعنی همان اصل مبلغ را باید بگیرد و اگر خود مشتری چیزی (مبلغی) را اضافه بدهد و [این مطلب] با رضایت باشد، اشکال ندارد.

پرسش نامه ۲۲۴: سؤال ۷. معمولاً فروشندگان نسیه، تورم را در نظر دارند و قیمت‌گذاری می‌کنند.

پرسش نامه ۲۳۵: سؤال ۷. بستگی به شرایط فروش فروشنده دارد.

پرسش نامه ۲۵۴: سؤال ۷ و ۸. [به] قیمت روز کالا [پرداخت شود].

پرسش نامه ۲۹۵: سؤال ۷. اگر قیمت کالای مورد نظر به صورت نقدی ۱۵ تومان و به طور نسیه ۲۰ تومان باشد [گزینه الف] چون قیمت نقد و نسیه را می‌توان از اول معامله مشخص نمود.

پرسش نامه ۳۴۴: سؤال ۷ و ۸. به ازای خرید اقساطی در بازار، فروشنده معمولاً درصدی سود را بابت تورم سالانه در نرخ نهایی لحاظ می‌کند.

پرسش نامه ۳۶۶: سؤال ۷ و ۸. طبق توافقی وقت خرید کالا، باید محاسبه شود.

از مطالب فوق دو نکته قابل استفاده است:

۱. از جواب پرسش‌نامه‌های شماره ۱۰، ۱۳۱، ۱۴۰، ۲۹۵ و ۳۶۶ استفاده می‌شود که افرادی که گزینه «الف» را انتخاب کرده‌اند، به جهت توافق قطعی در معامله بوده است (یعنی از همان اول، بر قیمت مورد نظر توافق کرده‌اند) در نتیجه مبلغ اضافه‌ای را نمی‌توان گرفت.

۲. از پاسخ‌های پرسش‌نامه‌های ۴۸، ۲۲۴، ۲۳۵ و ۳۴۴ دلیل دیگری برای انتخاب گزینه «الف» به دست می‌آید، اینکه در معاملات نسبه معمولاً نرخ تورم محاسبه شده، در قیمت اخذ می‌شود؛ از این رو وجهی ندارد که مبلغ اضافه‌تری پرداخت شود.

جدول شماره ۵: موضوع دیه

موضوع: بیع نسبه	
سؤال ۱ (تورم شدید)	اگر شخصی به دیگری صدمه جسمی یا جانی بزند و قاضی برای وی مثلاً مبلغ ۵ میلیون تومان دیه تعیین کند (و این پول در موعد مقرر پرداخت نشود) اما پس از گذشت یک سال و با ملاحظه نرخ تورم ۶۰ درصدی او بخواهد دیه را بپردازد (ارزش پول در حال حاضر ۸ میلیون تومان باشد) چه مبلغی باید پرداخته شود؟
پاسخ‌ها	الف. اصل مبلغ دیه (۵ میلیون تومان) ۷۹ (۲۲٪)
	ب. اصل به اضافه نرخ تورم (۸ میلیون تومان) ۱۶۰ (۴۵٪)
	ج. مصالحه بین اصل دیه و بین اصل به اضافه افزایش نرخ تورم ۱۰۶ (۳۰٪)
	د. سایر موارد ۱۳ (۴٪)
سؤال ۲ (تورم کم)	اگر شخصی به دیگری صدمه جسمی و یا جانی بزند و قاضی برای وی مثلاً مبلغ ۵ میلیون تومان دیه معین کند (و این پول در موعد مقرر پرداخت نشود)؛ پس از گذشت یک سال و با ملاحظه نرخ تورم ۱۰ درصدی او بخواهد دیه را بپردازد (اگر ارزش پول در حال حاضر ۵ میلیون ۵۰۰ هزار تومان باشد) چه مبلغی باید پرداخت شود؟
پاسخ‌ها	الف. اصل مبلغ دیه (۵ میلیون تومان) ۸۳ (۲۳٪)
	ب. اصل به اضافه افزایش نرخ تورم (۵ میلیون ۵۰۰ هزار تومان) ۱۵۸ (۴۴٪)
	ج. مصالحه بین اصل دیه و بین اصل به اضافه افزایش نرخ تورم ۱۰۵ (۲۹٪)
	د. سایر موارد ۱۰ (۳٪)
مجموع	الف: ۱۶۲ (۲۳٪)    ب: ۳۱۸ (۴۵٪)    ج: ۲۱۱ (۳۰٪)    د: ۲۲ (۳٪)

تعدادی از پاسخ‌دهندگان گزینه «د» را برای پاسخ انتخاب کرده‌اند و توضیحاتی بدین قرار ارائه داده‌اند:

پرسش‌نامه ۴۷: سؤال ۹ و ۱۰. مطابق مبلغ گفته شده در صدور حکم و با تعیین زمان مشخص، پرداخت گردد.

پرسش‌نامه ۱۴۰: سؤال ۹ و ۱۰. چون قرض نیست، بلکه دین [و] جدای از قرض است، به نظر بنده گزینه «ب» بهتر است.

پرسش نامه ۱۵۴: سؤال ۹. اگر نوع پرداخت قسطی باشد، باید به قیمت روز محاسبه گردد.  
پرسش نامه ۱۶۱: سؤال ۹. تناسب بین درصد دیه سال وقوع جنایت به عضو و تبدیل آن  
به درصد دیه سال پرداخت (دیه یوم الاداء)؛ سؤال ۱۰. هیچ وقت قاضی برای دیه مبلغ تعیین  
نمی‌کند؛ بلکه درصد تعیین می‌کند که بر مبنای دیه اعلام شده در روز پرداخت، قابل محاسبه  
و دریافت است.

پرسش نامه ۱۸۲: سؤال ۹ و ۱۰. طبق نظر مرجع ذی صلاح [پرداخت شود].

پرسش نامه ۲۵۴: سؤال ۹ و ۱۰. [مطابق با] قیمت روز دیه [پرداخت شود].

پرسش نامه ۲۸۹: سؤال ۹. با توجه به اینکه نحوه پرداخت دیه در دادگاه تعیین شده، قراردادی  
بسته می‌شود، در صورتی که به طور ماهیانه یا نسیه بخواهد پرداخت شود (به نظر می‌رسد به  
هرگونه که دادگاه لحاظ کنند و معمولاً در دادگاه تورم در نظر گرفته نمی‌شود؛ سؤال ۱۰. به نظر  
من پرداخت دیه نباید به طور نسیه باشد.

پرسش نامه ۳۴۴: سؤال ۹. باید دید علت چه بوده است، اگر ضعف مالی [مسبب این  
شرایط] بوده، بسته به شرایط وی باید تصمیم گرفت.

از مطالب فوق دو نکته قابل استفاده است:

۱. از پرسش نامه‌های ۴۷، ۱۸۲، ۲۸۹ و استفاده می‌شود که برخی معیار را حکم قانون می‌دانند،  
یعنی هرچه که قاضی حکم کرده است، همان متبع است؛ در نتیجه اگر قاضی نرخ تورم را  
لحاظ نکرده است، باز هم باید همان مبلغ یعنی گزینه «الف» پرداخت شود.

۲. بازگشت پاسخ به پرسش نامه‌های ۱۴۰، ۱۵۴، ۱۶۱ و ۲۵۴ در حقیقت همان [انتخاب]  
گزینه «ب» است، یعنی لزوم پرداخت به نرخ تورم است.

در این محور «میزان تورم» مبنای تحلیل و بررسی قرار گرفته است.

جدول شماره ۱: حالت تورم شدید

تورم شدید		
موضوعات	پاسخ‌ها	تعداد
تلف	الف. اصل مبلغ	۶۰ (۱۷٪)
	ب. اصل مبلغ به همراه افزایش تورم	۱۱۱ (۳۱٪)
	ج. مصالحه	۱۷۰ (۴۸٪)
	د. سایر موارد	۱۴ (۴٪)
مهریه	الف. اصل مبلغ	۳۲ (۹٪)
	ب. اصل مبلغ به همراه افزایش تورم	۲۰۳ (۵۷٪)
	ج. مصالحه	۱۱۲ (۳۱٪)
	د. سایر موارد	۹ (۳٪)
قرض	الف. اصل مبلغ	۱۴۷ (۴۲٪)
	ب. اصل مبلغ به همراه افزایش تورم	۷۴ (۲۱٪)
	ج. مصالحه	۱۲۱ (۳۴٪)
	د. سایر موارد	۱۴ (۳٪)
بیع نسیه	الف. اصل مبلغ	۱۳۸ (۳۹٪)
	ب. اصل مبلغ به همراه افزایش تورم	۸۱ (۲۳٪)
	ج. مصالحه	۱۲۰ (۳۴٪)
	د. سایر موارد	۱۳ (۴٪)
دیه	الف. اصل مبلغ	۷۹ (۲۲٪)
	ب. اصل مبلغ به همراه افزایش تورم	۱۶۰ (۴۵٪)
	ج. مصالحه	۱۰۶ (۳۰٪)
	د. سایر موارد	۱۳ (۴٪)

قابل ذکر است که در جواب افراد به تمام سؤالاتی که در آن تورم شدید لحاظ شده است، تعداد ۲ نفر گزینه «الف» را انتخاب کرده‌اند و تعداد ۵ نفر گزینه «ج» را انتخاب کرده‌اند.

جدول شماره ۲: حالت تورم کم

تورم کم		
موضوعات	پاسخ‌ها	تعداد
تلف	الف. اصل مبلغ	۸۷ (۲۵٪)
	ب. اصل مبلغ به همراه تورم	۱۱۸ (۳۳٪)
	ج. مصالحه	۱۳۹ (۳۹٪)
	د. سایر موارد	۱۱ (۳٪)
مهریه	الف. اصل مبلغ	۴۰ (۱۱٪)
	ب. اصل مبلغ به همراه تورم	۱۹۵ (۵۵٪)
	ج. مصالحه	۱۱۰ (۳۱٪)
	د. سایر موارد	۹ (۳٪)
قرض	الف. اصل مبلغ	۱۶۳ (۴۶٪)
	ب. اصل مبلغ به همراه تورم	۹۷ (۲۷٪)
	ج. مصالحه	۸۵ (۲۴٪)
	د. سایر موارد	۱۳ (۴٪)
بیع نسیه	الف. اصل مبلغ	۱۵۲ (۴۲٪)
	ب. اصل مبلغ به همراه تورم	۱۰۴ (۲۹٪)
	ج. مصالحه	۹۴ (۲۶٪)
	د. سایر موارد	۱۰ (۳٪)
دیه	الف. اصل مبلغ	۸۳ (۲۳٪)
	ب. اصل مبلغ به همراه تورم	۱۵۸ (۴۴٪)
	ج. مصالحه	۱۰۵ (۲۹٪)
	د. سایر موارد	۱۰ (۳٪)

در اینجا و در پاسخ به تمام سؤالاتی که تورم کم را لحاظ کرده است، تعداد ۲ نفر گزینه «الف»، ۶ نفر گزینه «ب» و ۲ نفر گزینه «ج» را انتخاب کرده‌اند.



جدول شماره ۳: جمع کل

جمع کل			
مقدار تورم	پاسخ‌ها	تعداد	درصد از کل
تورم شدید	الف: اصل مبلغ	۴۵۶	٪۲۶
	ب: اصل مبلغ به همراه تورم	۶۲۹	٪۳۵
	ج: مصالحه	۶۲۹	٪۳۵
	د: سایر موارد	۶۳	٪۴
تورم کم	الف: اصل مبلغ	۵۲۵	٪۲۹
	ب: اصل مبلغ به همراه تورم	۶۷۲	٪۳۸
	ج: مصالحه	۵۳۳	٪۳۰
	د: سایر موارد	۵۳	٪۳

با توجه به اینکه از ۳۶۵ پرسش‌نامه، برخی از افراد به بعضی از سؤالات پاسخ داده‌اند، مجموع پاسخ‌های دریافتی به ۳۵۶ رسید که با تقسیم کردن بر تعداد سؤالات (یعنی ۱۰) به این نتیجه می‌رسیم که تعداد ۳۵۶ پرسش‌نامه به صورت کامل جواب داده شده است. در نتیجه در نسبت سنجی درصد پاسخ‌ها (با توجه به تعداد پرسش‌نامه‌های تکمیل شده) می‌توان چنین نتیجه گرفت که ۱۱۵ نفر (۳۲ درصد) گزینه «الف»، ۱۳۱ نفر (۳۷ درصد) گزینه «ب»، ۱۰۰ نفر (۲۸ درصد) گزینه «ج» و ۱۰ نفر (۳ درصد) گزینه «د» را انتخاب کرده‌اند.

کسانی که گزینه «الف» را انتخاب کرده‌اند، دو جهت برای آن متصور بوده‌اند:

۱. پول را مثلی به ارزش ظاهری می‌دانستند و قدرت خرید را در پول دخیل ندانسته‌اند، خصوصاً در موارد تورم شدید این احتمال قوت بیشتری دارد.
۲. به جهت وجود قرارداد، یا حرمت ربا و یا حکم قاضی، گزینه «الف» را انتخاب کرده‌اند و این احتمال در موارد تورم کم دارای قوت بیشتری است.

اما کسانی که گزینه «ب» را انتخاب کرده، به جهت دخیل دانستن قدرت خرید در پول است و این وجه در مواردی که تورم کم است، قوت بیشتری دارد؛ زیرا فقط قائلین به لحاظ قدرت خرید در پول است که حتی در نرخ تورم کم نیز جبران را لازم می‌دانند.

و کسانی که گزینه «ج» یعنی مصالحه را انتخاب نموده‌اند، دو جهت برای آن متصورند:

۱. به جهت آنکه مصالحه تنها راهی است که رضایت دو طرف حاصل می‌شود؛ از این رو آن را بهترین راه دانسته‌اند، اعم از آنکه در پول قدرت خرید را دخیل بدانند یا ندانند و یا اینکه اساساً توجهی به این مطلب نداشته باشند و این احتمال در موارد تورم کم، قوت بیشتری دارد.

۲. پول را مثلی به ارزش ظاهری می‌دانستند و چون ضرر معتدبه و تفاوت قیمت فاحش وجود داشته است، حکم به مصالحه کرده‌اند و این توجیه صرفاً در موارد تورم شدید جایگاه دارد (که این مطلب، فقط در ۵ درصد از موارد پرسش‌نامه است).

به این ترتیب اختلاف افرادی که گزینه «مصالحه» را در موارد تورم کم و زیاد انتخاب نموده‌اند، ۵ درصد است؛ یعنی در موارد تورم کم، ۳۰ درصد حکم به مصالحه کرده‌اند و در تورم زیاد، ۳۵ درصد حکم به مصالحه نموده‌اند.

از مجموع آنچه مطرح شد به خوبی روشن است که عده قابل توجهی از جامعه آماری، (۱۳۱ نفر) قدرت خرید را در پول دخیل می‌دانند و جبران کاهش ارزش را لازم می‌دانند؛ همانگونه که عده قابل توجهی (۱۱۵ نفر) قدرت خرید را دخیل نمی‌دانند و در ادای دیون، کاهش ارزش پول را لازم نمی‌شمرند و از آنجایی که معیار در ادای دیون، عرف عام است؛ هر آنچه که عرف حکم کند همان محکم و متبع خواهد بود. در مواردی که عرف دو نوع حکم دارد و هر دو حکم نیز به نحوی شیوع دارد که نمی‌توان از یکی دست برداشت، می‌توان ادعا کرد که هر دو حکم متبع است؛ نظیر معدود و موزون بودن برخی از کالاها در عرف یک شهر، مثلاً خرید کالایی خوراکی مانند تخم مرغ می‌تواند هم معدود و هم موزون باشد. در اینگونه موارد، هر دو حکم می‌تواند ملاک متعاقدين قرار بگیرد؛ یعنی اگر تخم مرغ را وزنی معامله کردند، باید شرایط ربای معاملی رعایت گردد و اگر بنای بر معامله عددی داشتند، می‌توانند به زیاده هم مبادله کنند.

در مانحن فیه نیز حکم همین گونه است؛ یعنی اگر دو طرف، بنای بر اخذ قدرت خرید در پول را داشتند، لازم است که تورم در ادای دین لحاظ گردد و اگر بنای بر ارزش ظاهری داشتند، نباید تورم در پرداخت بدهی لحاظ گردد؛ از این رو متعاقدين می‌توانند هر یک از این دو قول را در عقد خود اخذ کنند؛ یعنی اگر قدرت خرید در پول را در عقد اخذ کردند، لحاظ تورم و اخذ آن به حق و جایز است و اگر عدم لحاظ قدرت خرید را در عقد اخذ کردند، گرفتن تورم، ربا بوده و اکل مال به باطل است. بیان این نکته لازم است، از آنجایی که قانون جاری در کشور جمهوری اسلامی ایران بر عدم لحاظ قدرت خرید در پول است، پس اگر بنای متعاقدين بر اخذ قدرت خرید در پول باشد، لازم است در ضمن عقد، بدان تصریح کنند و در صورت سکوت، حمل بر عدم لحاظ قدرت خرید می‌شود و در مواردی که بنایی در کار نبوده، مانند موضوع تلف و یا زمانی که متعاقدين در ادای دین اختلاف کردند، بهترین راه مصالحه خواهد بود که این حکم، نیز حکم عرف است و ۱۱۶ نفر به آن حکم کرده‌اند.

از این رو در مبادلات شخصی مانند مهریه، قرض، بیع نسبه و... ملاک توافق متعاقدين است که اگر قدرت خرید را در پول لحاظ نکرده و پول را مثلی به ارزش ظاهری می‌دانستند،

کاهش ارزش پول ضمان آور نبوده و گرفتن تورم، ربا و اکل مال به باطل محسوب می‌شود؛ اما اگر متعاقدين به لحاظ قدرت خرید در پول تصریح داشتند، جبران کاهش ارزش پول لازم بوده و لحاظ تورم نیز به حق بوده و جایز است. در اموری که جنبه حکومتی دارد (مانند وام‌های بانکی، مالیات، زکات و خمس و...) قانون متبع است و قانون‌گذار می‌تواند هر یک از آن دو قول را در قانون اخذ کند و بدان ملتزم باشد.

### نتیجه‌گیری

مسئله جبران کاهش ارزش پول در دیون از مباحث مهم و مبتلابه در جامعه امروزی است؛ حل این مسئله با توجه به نرخ تورم مبتنی بر پاسخ به این پرسش است که «آیا عرف، قدرت خرید را در پول لحاظ می‌کند یا خیر؟» شارع مقدس در برخی امور دخالت نداشته و بیانی ارائه نکرده است و موضوع را به عرف واگذار کرده است؛ در مسئله این پژوهش نیز از طرف شارع، بیانی صادر نشده است و در نتیجه حاکم در این مسئله عرف است.

فقط برای کشف نظر عرف عام در مسئله مورد بحث، به روش‌هایی چون تحلیل رفتار عرف و یا تحلیل تاریخیچه پول و نیز تطبیق استظهار خود با نظر عرف تمسک کرده‌اند؛ در حالی که بهترین و اطمینان‌بخش‌ترین روش، بررسی میدانی موضوع و رفتن به درون جامعه مردم و تحقیق کردن از خود آنان است؛ در نتیجه پژوهشگر این مقاله با طرح پرسش‌نامه و توزیع آن میان ۳۶۵ نفر از جامعه آماری، نظر عرف را در این باره جویا شد؛ نتایج حاصل شده مبتنی است بر نظر عرف مردم که هم قول به لحاظ قدرت خرید (حدود ۵۲ درصد) و هم قول به عدم لحاظ قدرت خرید در پول (حدود ۴۸ درصد) را قبول داشتند و در حقیقت با این درصد آماری نتایج، نمی‌توان یکی از این ۲ نظر را کنار گذاشت. در نتیجه هر دو قول «عرفی» است و حجت شمرده می‌شود. پس متعاقدين می‌توانند هر یک از این دو قول را اختیار کنند و بسته به اختیار متعاقدين، احکام هر یک بر آن بار می‌گردد و در مواردی که متعاقدين با یکدیگر اختلاف کنند که «آیا قدرت خرید را در پول لحاظ کرده‌اند یا نه؟» بهترین راه، مصالحه و کسب رضایت طرفین است.

## فهرست منابع

۱. آخوند خراسانی، محمد کاظم، (۱۴۰۶ق)، حاشیه المکاسب، یک مجلد، چاپ اول، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۲. انصاری، دزفولی، مرتضی بن محمد امین، (۱۴۱۵ق)، کتاب المکاسب (للسیخ الأنصاری، ط-الحديثة)، چاپ اول، قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.
۳. بحرانی، آل عصفور، یوسف بن احمد بن ابراهیم، (۱۴۰۵ق)، الحدائق الناضرة في أحكام العترة الطاهرة، چاپ اول، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۴. جمعی از مؤلفان، (بی تا)، «مجله فقه اهل بیت (علیهم السلام)» (فارسی)، چاپ اول، قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (علیهم السلام).
۵. حائری، سید علی بن محمد طباطبایی، (۱۴۱۸ق)، ریاض المسائل (ط-الحديثة)، چاپ اول، قم: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام).
۶. حلّی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، (۱۴۱۹ق)، نهاية الإحكام في معرفة الأحكام، چاپ اول، قم: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام).
۷. صدر، محمدباقر؛ (۱۴۱۷ق)، بحوث في علم الأصول، چاپ اول، بیروت: الدار الاسلامیه.
۸. عابدین پور، احسان، (۱۳۹۴ش)، «بررسی لزوم جبران کاهش ارزش پول از منظر روایات»، دوفصلنامه تخصصی مرکز فقهی ائمه اطهار (علیهم السلام)، سال دوم، شماره چهار، ص ۱۸۵-۲۱۰.
۹. عربی، سیدهادی و میثمی، حسین، (۱۳۹۸ش)، پول و بانکداری با رویکرد اسلامی، ۲ مجلد، چاپ سوم، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۰. علیدوست، ابوالقاسم، (۱۳۸۴ش)، فقه و عرف، چاپ چهارم، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و تربیت اسلامی.
۱۱. قانون مدنی، مصوب ۱۳۷۷ش.
۱۲. مکارم شیرازی، ناصر، (بی تا)، ربا و بانکداری اسلامی، چاپ اول، قم: بی نا.
۱۳. نظری، محسن، (۱۴۰۳ش)، اقتصاد کلان؛ چاپ هفدهم، تهران: انتشارات نگاه دانش.
۱۴. نکونام، جعفر، (۱۳۸۹ش)، روش تحقیق با تأکید بر علوم اسلامی، چاپ پنجم، قم: انتشارات دانشگاه قم.



## تشخيص الموضوع الفقهي للقدرة الشرائية للعملة من منظور العرف

محمدتقي بصيري

### ملخص البحث

من جملة القضايا المهمة في المجتمعات التي تعاني نسبةً عالية من التضخم هي «انخفاض قيمة العملة الوطنية» وكيفية تسديد الديون تبعاً لذلك، حيث نواجه سؤالاً من أن الذي ينبغي اعتماده في تسديد الديون هو ما يعادل المبلغ المسمى من الدين أم ينبغي ملاحظة نسبة التضخم أيضاً؟ وقد أرجع فقهاؤنا العظام إجابة هذا السؤال إلى رأي العرف، وأجمعوا على كونها مسألة عرفية، علماً بأن أفضل طريقة لمعرفة رأي العرف هي الدراسة الميدانية والتساؤل من العرف وهو مركز البحث في المقال. البحث المائل بين يديك، يعتمد المنهج الميداني وتوزيع ٣٦٥ استمارة استبيان بين الناس، مما انتهى به إلى نتيجة تدلّ على أنه لا يمكن في العرف السائد تجاهل القول بملاحظة القدرة الشرائية (الذي يتمتع بنسبة ٥٢٪ من الهواة) ولا القول بعدم ملاحظة القدرة الشرائية (الذي يتمتع بما يقارب ٤٨٪ من الهواة)، ولذلك فإن كلا القولين عرفيان ويتمتعان بالحجية، مما يسمح للمتعاقدين أن يعتمدا أيّاً منهما في العقد، أي عندما يعتمدان القدرة الشرائية للعملة في عقدهما فيجوز لهما ملاحظة نسبة التضخم وأخذ الزيادة بحسبها، وإلا إذا لم يعتمدا القدرة الشرائية في عقدهما فإن أخذ الزيادة بحسب نسبة التضخم يكون ربا وكلاً للمال بالباطل. وينبغي التذكير بأن القانون المعمول في الجمهورية الإسلامية في إيران يقوم على عدم ملاحظة القدرة الشرائية للعملة، ولذلك فإذا قرّر المتعاقدان اعتمادها فينبغي التصريح بذلك في العقد، وفي حال السكوت عن ذلك، فإن العقد يُحمل على عدم اعتماد القدرة الشرائية للعملة. وفي موارد اختلاف المتعاقدين في ملاحظة القدرة الشرائية أو عدمها فإنّ الحلّ الأمثل هو المصالحة بين الطرفين وكسب رضاها.

**الألفاظ المفتاحية:** العرف، القدرة الشرائية، العملة، التضخم، المصالحة، الدراسة الميدانية.

١. متخرّج السطح الرابع في الحزة العلمية بقم، mt.basiri@chmail.ir.

## A Jurisprudential Subject-Matter Study of Purchasing Power in Money from the Perspective of 'Urf

← Mohammad-Taqi Basiri<sup>1</sup> →

### Abstract

In high-inflation economies, a major concern is the devaluation of the national currency and, consequently, the proper method for debt settlement. The central question is whether debts should be repaid at their nominal value or adjusted based on inflation. Muslim jurists have generally agreed that resolving this issue depends on prevailing customary understanding ('urf). The most reliable way to ascertain 'urf is through field research and direct inquiry from the public—a methodology taken in this study. Through fieldwork involving the distribution of 365 questionnaires among the general population, the research found that public opinion is nearly split: approximately %52 support repayment based on purchasing power, while around %48 favor nominal repayment. Thus, both views are considered valid within 'urf and are *ḥujja* (legally binding). Therefore, contracting parties may adopt either stance in their agreements. If purchasing power is explicitly stipulated in the contract, then adjusting for inflation is deemed lawful. However, if the parties agree not to consider purchasing power, then charging extra based on inflation would constitute *ribā* (usury) and be classified as *akl al-māl bi-l-bāṭil* (unjust enrichment). It is worth noting that under current Iranian law, purchasing power is not recognized as a standard in monetary transactions. Therefore, if parties intend to include it, this must be explicitly stated in the contract; otherwise, the default presumption will be nominal repayment. In case of disagreement between parties on whether purchasing power should be considered, the most appropriate course is reconciliation and mutual consent.

**Keywords:** 'Urf, purchasing power, currency, inflation, reconciliation, field research.

1. Graduate of Level Four of the Seminary of Qom. Email: mt.basiri@chmail.ir.